

# در وصف زندگی نگاهی به مجموعه شعر دو چرخه‌ها گران‌اند

ناهید معتمدی



دو چرخه‌های گران‌اند

مؤلف: شهرام رجب‌زاده

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۰

ناشر: کتاب زمین

بها: ۲۰۰ تومان

به اعتقاد محمدعلی حق‌شناس، شعر، در درونه‌زبان استوار است و درونه‌زبان، یعنی ساخت‌هایی که در لایه معناشناسی (Semantics) مورد مطالعه قرار می‌گیرد و برونه‌زبان، صورت آن است که کلیه ساخت‌های غیرمعنایی را در شعر در برمی‌گیرد.

مجموعه شعر «دو چرخه‌ها گران‌اند»، شامل پنج شعر در قالب چارپارهٔ بیوسسته، چهار شعر آزاد نیمایی، یک مثنوی و یک غزل نو است. در جهان شعری قرار گرفتن، مستلزم الهام درونی شاعر، هنگام سرودن شعرهاست. شاعر در سرودن اغلب شعرها به سطح و برونه‌زبان توجه بیشتری داشته؛ تا آن‌جا که از معیارهایی مانند تشخص و

ماده اولیه شعر، کلمه است و شاعر خود را به جادوی کلمات می‌سپارد و با واکنشی مؤثر، آنچه را ما احساس ناب می‌گوییم، به تصویر می‌کشد. در چنین حالتی است که شاعر، خاطره یا رویایی را با دینامیسم شعر، درمی‌آمیزد و در نتیجه، به زبان جانی دوباره می‌بخشد.

در متن ادبی یا شعر، پیام به شیوه بیان وابسته است و پیچیدگی و حتی رازهای زبانی، امتیازی به حساب می‌آید؛ زیرا پیام، چیزی جز این پیچیدگی نیست. در شعر یا معنای نهایی وجود ندارد و یا در پشت تأویل‌های بی‌شمار پنهان می‌شود. زبان در شعر حضور دارد، زنده است و ما را وادار می‌کند که به آن بیندیشیم.

بیان ویژه هنری، ابداع و آفرینش، اندیشه شاعرانه، ساختار و انسجام، بهره‌مندی از زبان پویا و شاعرانه و پرهیز از هر گونه زیور و آرایش مصنوعی و سرانجام، فضای احساسی و احساس فضا، یعنی گذشتن از سطح و دست یافتن به لایه‌های گوناگون در متن، در اغلب شعرها دور مانده است.

هر انسان زنده و هر ذهن حساسی، از محیط بیرون متأثر می‌شود. آنچه منحصر به فرد است، بازتابی است که از منشأ بیرونی در ذهن پدید می‌آید که آن را «ایده» می‌گوییم. تبدیل این ایده‌ها به واژه، فضا، صدا و سکوت، خط و رنگ، فضا و حجم، حرکت و سکون، جادویی است که همه انسان‌ها از رمز و راز آن آگاه نیستند. روبه‌رو شدن ذهن با محیط بیرون و تأثیرپذیری از آن، خصلتی عام دارد. ولی ایده ذهنی و بیان مادی آن (یعنی هنر)، خصلتی شخصی است و منحصر به فرد. هر چه شاعر، ذهنی عمیق و تکرشی وسیع نسبت به جهان اطراف خود و طبیعت و هستی داشته باشد، انعکاس این مفاهیم و بیان آن‌ها در شعر، پویاتر می‌شود.

در شعر «دوچرخه‌ها گران‌اند»، شاعر از زبان برادر کوچک خود صحبت می‌کند. او آرزو و رویای علی، برادر کوچک خود را خیال می‌پندارد که مانند سیب کال تلقی می‌شود. او به ویژگی سنی و احساس و تخیل کودک، کم بها می‌دهد و با دید و منطقی ذهنی یک فرد بزرگسال، رویای شیرین کودک را با زبانی تخرگوتنه و با احساسی دقیق، بازگو می‌کند: علی برادر من / همیشه در خیال است / خیال‌های خامی / که مثل سیب کال است /... ص ۵

شاعر آرزو می‌کند که کاش کودک (علی)، ذهن و فکر او را می‌خواند و می‌فهمید که ما (بزرگ‌ترها) این چنین نمی‌اندیشیم: برایش اسم چیزی / قشنگ‌تر از نیست / اگر چه کاش می‌دید / برای ما چنین نیست /... ص ۶

سپس شاعر، ضمن ابراز تأسف از این‌که پدر توان مالی خریدن دوچرخه برای علی را ندارد، آرزو می‌کند ای کاش علی، دوران کودکی نداشت و یا کمی بزرگ‌تر بود و آنچه را افراد بزرگسال درک می‌کنند، او نیز درک می‌کرد. در واقع، به زعم شاعر، کودک در سنین کودکی باید منطقی و درک بزرگسال را داشته باشد:

... چه خوب بود قدری / علی بزرگ‌تر بود / و آشنای چشمش / نجابت پدر بود / ص ۷

کودک درون هنرمند (شاعر)، باید هم‌چنان کودک بماند تا مخاطب خود را حس کند و بشناسد و هماهنگ و هم‌جنس ذهن و خیال کودک، شعر بگوید. شعر دوچرخه‌ها گران‌اند، با نتیجه‌گیری و زاویه دید و منطقی ذهنی یک فرد بزرگسال، پایان می‌یابد.

خلاصه این‌که در منظومه بلند «دوچرخه‌ها گران‌اند»، واژه‌ها نسبتاً تهی از جوهره شعری و زبان آن روزمره است و زبان معیار، ابزاری است برای بیان مفاهیم ذهنی شاعر. گاه واژه‌ها سنگین‌اند و سیال و روان نیستند. ترکیب «سیب کال»، تکراری و کهنه است. در پایان مصراع‌ها واژه‌ها بیشتر برای جور شدن قافیه به کار رفته است: مانند زمینش / زمینش، رنگ / شیرنگ، گفت / خفت و... شعر از موسیقی درونی خالی است و از نظر موسیقی بیرونی و وزن عروضی، کاستی‌هایی در آن‌ها دیده می‌شود.

«روی قلمدوش باد» شعری به سبک آزاد، با وزن ترانه و ریتمیک است و رفتار باد را با عناصر طبیعت به تصویر می‌کشد. جمله‌ها تخرگوتنه است گرچه موزون! واژه‌ها زلال و سبک و شفاف نیستند و ترکیب‌ها طولانی و نازیبا هستند:

ابرها / روی کف سُر سُر شده آسمان / راحت و بی‌دغدغه سر می‌خورند / چلچله‌ها بی‌خیال / بال‌زنان / گوشه‌ای از منظره را می‌بُرند / ص ۹

اصطلاح «بریدن»، برای منظره، کاربرد ملموسی

ندارد و همچنین است:

قاصدکی روی قلمدوش یاد/ از بغل دسته پف  
کرده گنجشکها/ می‌گذرد مثل خواب/... ص ۱۰.

«دسته پف کرده گنجشکها»، حس برانگیز  
نیست و از معیار زیبایی‌شناسی تهی است.

آسمان! ای سرآغاز کبوتر/ سلام!... ص ۱۰.  
در صورت نبود این مصراع و نظایر آن، خللی  
در شعر احساس نمی‌شود و سرانجام مصراع آخر  
شعر، «تا بسپارم دل خود را به باد»، از نظر وزنی،  
خیلی سلیس و روان به نظر نمی‌رسد.

شعر «خورشید چشمان پدر»، در قالب چارپاره  
پیوسته، سروده شده و با موضوع و مضمونی  
تکراری که در شعر شاعران دیگر هم آمده است،  
همان‌طور که اشاره شد، تفکر هنری در اشعار  
وجود ندارد. ابزار تفکر هنری؛ زبان با کارکرد  
عاطفی، تخیل هنری و تصویرهای ذهنی است.  
تصویر ذهنی در شعر، باید پویا و زنده، خلاق و  
زیبا بوده و در عین حال، با تصویرهای قبلی و بعد  
خود ارتباط محسوس و یا نامحسوس داشته  
باشد. اکثر شعرها از وجود این‌گونه تصویرها و  
همانگ با مضمون شعر، بی‌بهره است. تکرار  
مصوت‌ها و صامت‌ها و واژه‌ها یکی از شگردهای  
آشنای زدایی در شعر است که باید به زیبایی  
شعر بیفزاید. تکرار سه بار واژه «کاش» و  
«کاشکی» در یک بند، فاقد این حس زیبایی و فقط  
برای انتقال مفهوم تأسف و مورد ذهنی شاعر، از  
خستگی پدر در شعر، به مخاطب است.

شعر «دوستی دارم»، از اشعار موفق این  
مجموعه است. این شعر در قالب مثنوی است.  
موضوع و درونمایه (مضمون)، دو عنصر اساسی  
در یک واحد هنری (شعر) است. چگونگی و نحوه  
ارائه بیان موضوع، مضمون یا درونمایه است.  
انتخاب موضوع و شیوه بیان آن، مربوط به  
برداشته‌های شاعر است از زندگی. در این عرصه  
است که دانش و بیئت شاعر کاربرد دارد.

هنرمندانی که دانش و بیئت ژرفی از زندگی و  
هستی دارند، در انتخاب موضوع حساس‌ترند.  
درونمایه در شعر، بر محور موضوع گسترش  
می‌یابد.

موضوع محدود و عام است و ممکن است چند  
هنرمند یک موضوع را انتخاب کنند، ولی  
درونمایه‌های گوناگونی از یک موضوع ارائه دهند.  
به عبارت دیگر، یک موضوع را می‌توان به هزار  
شکل تفسیر و تبیین کرد.

شهرام رجب‌زاده، در شعر «دوستی دارم»، خدا  
را دوست می‌پندارد و همانگ با ساختار ذهنی  
کودک و تجربه مخاطب از زندگی، ویژگی‌ها و  
توانمندی‌های خالق را به تصویر می‌کشد:

دوستی دارم صبور و مهربان/ پیش چشمش  
کوچک است این آسمان/... درسش از صفر و خلأ  
لبریز نیست/ مبحث «مجموعه» هایش بی‌تهی  
است/... ص ۱۳.

خاک تا لبریز ماتم می‌شود/ آبپاش ابری‌اش  
خم می‌شود/... ص ۱۵.

توصیف موضوع، یعنی درونمایه، تکراری  
نیست و شاعر از بُعد جالبی به آن تگریسته است.  
شاعر در هفت قطعه شعر، با عنوان‌های  
مختلف، به توصیف پدر و مادر و نوع زندگی و  
زیستن آن‌ها می‌پردازد. این شعرها عبارتند از:  
دو چرخه‌ها گران‌اند (پدر)، خورشید چشمان پدر  
(مادر و پدر)، مثل آواز چشمه‌ها (مادر)، در نفس  
یاکریم (مادر)، غم‌های نخلستان (مادر)، آرزو (مادر)  
و جای پای شب‌بزم (پدر و مادر). حوزه انتخاب  
موضوع یکی است. با وجود درونمایه‌های متنوع و  
گاه نو، نوعی خستگی بر ذهن و روان مخاطب  
می‌نشیند. در شعر مثل آواز چشمه‌ها، همانند  
اشعار دیگر مجموعه، به جور کردن قافیه توجه  
شده است. کاربرد واژه «رخت»، برای کسی که  
لباس می‌دوزد و یا خیاطی می‌کند، نامناسب است:  
... هرگز از زندگی نمی‌گوید/ خنده‌هایش ولی

چه کم رنگ است!

از نگاهش به رخت‌ها پیداست / باز او مثل من  
دلش تنگ است /... ص ۱۸. شاعر در بعضی شعرها،  
به ویژه شعر «در نفس یا کریم»، از زبان محاوره و  
گفتاری سود جسته است. لحن محاوره، به صورت  
عمومی، ارزش هنری چندانی ندارد، ولی افزودن  
عنصر زیبایی‌شناختی به آن، می‌تواند امکانات کم  
نظیری فراهم بیاورد. شعر «در نفس یا کریم»،  
حالتی وصفی-روایی دارد و زبان آن گفتاری است  
و لحن محاوره دارد، ولی ویژگی‌های زبان شاعرانه  
در آن رعایت نشده است: مادرم / پنجره را باز کرد /  
داد زد: / «آی پسر! خل شدی!؟ / قهقهات تا سر بازار  
رفت» /... ص ۱۹.

واژه «خل» کاربرد هنری ندارد و یا:

مادرم / چند کلام از «در و همسایه» گفت / یا  
دوسه تا جمله هم از «آبرو» /... مادرم / پنجره را  
بست و پی کار رفت /... ص ۱۹.

شاعر در این شعر، حرکت و کنش مادر را با  
توصیفی از طبیعت و عناصر آن می‌آمیزد. در  
قسمت دوم شعر، اشاره‌ای به گفته‌های مادر ندارد  
و فقط توصیف صرف از طبیعت است. در پایان  
شعر، از مادر گله‌مند است که چرا نباید صدای  
خنده‌اش تا سر بازار برود. چند مصرع را می‌توان  
از شعر حذف کرد؛ زیرا هیچ ارتباطی با موضوع و  
مضمون شعر ندارد:

... آه! چه خوب است خدایا! / هنوز / جای  
نگهداری / برگ چنار و ملخ و قرمزی پینه‌دوز / مثل  
فسیل و تبر مفرغی و کوزه عهد قدیم / گوشه‌ای از  
موزه نیست /... ص ۲۱-۲۰.

شعرها معمولاً بلند هستند و بی‌جهت طولانی  
شده‌اند. حذف قسمت‌هایی از آن‌ها که گاه ارتباط  
چندانی با قبل و بعد خود ندارد، اندازه اشعار را  
مناسب می‌کند. مصرع «تخته سیاه پر سرمشق  
دود» ص ۲۰، نازیباست، تصویرها و ترکیب‌ها  
تکراری است. شعر ساختار منسجمی ندارد و

محور عمودی آن سُست است.

«غم‌های نخلستان» شعری است درباره رفتن  
علی از جمع خانواده و نگرانی و غمگینی مادر.  
احساس عاطفی نسبت به پدر و مادر و درک کردن  
آن‌ها، در خور توجه و قابل ستایش است، ولی  
شهرام رجب‌زاده، این موضوع را دستمایه و  
مضمون تمام اشعار این مجموعه شعر خود قرار  
داده و در انتخاب موضوع و پرداخت آن‌ها، از نهاد  
خانواده یا فراتر نگذاشته است. توجه به نهاد  
خانواده و حفظ معیارهای انسانی و سلامت آن،  
بسیار بار ارزش است و مورد قبول همه فرهنگ‌ها و  
جوامع، ولی آنچه یک هنرمند را جهانی می‌کند،  
زبان و سبک او نیست، بلکه نگاه و نگرش هنرمند  
است. شعر «کشتزار شادی‌ها» در قالب غزل است با  
مضمون زندگی و تلاش برای زیستن با فراز و  
نشیب‌های بسیار آن. شاعر گرچه با تردید به این  
چشم‌انداز می‌نگرد، در پایان، فرصتی امیدبخش  
می‌یابد:

... در جوانه می‌جویم خنده جوانی را / شادمانه  
می‌روییم، راز سبز ما زیباست / این مجال  
سحرآمیز، فصل گرم و شورانگیز / فرصتی پر از  
امروز، وسعتی پر از فرداست. / ص ۲۶.

شاعر از مصوت «آ» و از واژه‌های «اگر»، «آیا»،  
«اما»، و «ما»، برای رساندن حالت شک و تردید و  
دورنمای نامشخص زندگی، استفاده کرده است.

کاربرد ترکیب «جاری نگاه»، نو و ابتکاری است:  
... زندگی اگر گاهی بستری پر از سنگ است /  
جاری نگاه ما رودخانه رویاست /... در شعر «جای  
پای شبنم»، مضمون مانند اغلب اشعار، عدم  
استطاعت پدر، برای خرید پوشاک عید است. در این  
شعر، خواهر کوچک از خواسته‌اش چشم می‌پوشد  
و مادر گریه می‌کند، ولی خواهر معنی اشک‌های  
مادر را نمی‌فهمد. همین مضمون با تفاوت‌هایی در  
شعر «دو چرخه‌ها گران‌اند» نیز آمده است. واژه‌ها و  
ترکیب‌های به کار گرفته شده بار هنری ندارد و



Mohamad Reza Dadgar  
Iran

تکراری است:

نازیباست:

«هان ای پدرجان! چرا نمی‌خندی؟/ عید آمد، مگر نمی‌بینی؟/ من که آن کفش را نمی‌خواهم/ پس چرا باز هم تو غمگینی؟...» ص ۲۷. «آرزو»، آخرین شعر از این مجموعه شعر است. شعر در قالب آزاد نیمایی است با مضمون تولد خواهر و نام‌گذاری او. در ضمن، اشاره کوچکی به تمام شدن جنگ دارد: .../ بایگانی کردن پروندهٔ تانک و تفنگ/ افتتاح موزهٔ تاریخ جنگ... ص ۳۰ که حذف آن خدشه‌ای به شعر نمی‌زند. البته آرزوی تمام شدن جنگ، با نام انتخابی برای خواهر، آرزو، جناس زیبایی می‌سازد.

آرزوهایش شبیه خانه‌های کوچک است/ سقف آن کوتاه، حجمش اندک است،/ ص ۳۰. به طور کلی، به کارگیری زبان گفتار یا محاوره، از نکات مثبت کتاب است، ولی شاعر در ارائهٔ زبانی هنری و پویا و اندیشه‌ای شاعرانه چندان موفق نیست. اغلب اشعار، به نظم پهلو می‌زنند و با پیش‌فرض‌های ذهنی ساخته شده‌اند. با وجود این، کتاب، در حیطه شعر کودک، همان‌طور که اشاره شد، خالی از لطف هم نیست. با این امید که شاعر، در مجموعه‌های بعدی خود، حوزه نگاه خود را نسبت به مخاطب و دنیای او گسترش دهد و با توفیق بیشتر، در ابعاد گوناگون شعری، به مخاطب اشعار خود، لذت هنری بیشتری بدهد.

واژه‌ها و ترکیب‌ها و حتی گزاره‌ها، در این شعر نیز زلال و زیبا نیست و بعضی تشبیه‌ها